

انگلیسی‌ها و سیاست تفرقه‌اندازی

۱۲ دی ۱۴۰۰ ساعت ۱۴:۳۱

پس از تسلط بریتانیا بر خلیج فارس و جنوب ایران خزعل با بهره‌برداری از فرصت، قدرت و ثروت انبوهی به چنگ آورد و به جایگاه استواری دست یافت و تا زمانی که دولت مرکزی ضعیف و ناکارآمد بود، خللی بر این جایگاه وارد نشد... وی نماد بارز سیاست «تفرقه بینداز، حکومت کن» بود، سیاستی که به وسیله خالق خزعل، لرد کرزن، در ایران دنبال می‌شد.

رضا شاه در اجرای سیاست تخته‌قاچو و اسکان اجباری عشایر از روش‌های متعددی استفاده کرد. گذشته از اعمال خشونت، اعدام و دستگیری سران که به طور مستقیم به کار گرفته می‌شد، در مواردی نیز از روش‌های غیرمستقیم برای کنترل و سرکوب کردن عشایر استفاده شد. «سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن» از جمله روش‌های غیرمستقیم بود که رضا شاه و فرماندهان گماشته شده او بارها علیه ایلات و عشایر استفاده کردند. این سیاست پیش از آن هم مورد استفاده بود؛ اما در دوره رضا شاه به طور گسترده به کار رفت. با این مقدمه کوتاه به بررسی این سیاست و تأثیر آن بر سرکوب عشایر پرداخته می‌شود.

سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن

سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن، یکی از سیاست‌های مهم کشورهای استعمارگر است. انگلیس را مهم‌ترین واضع این سیاست دانسته‌اند. این کشور بارها با استفاده از این سیاست در کشورهای تحت استعمارگر خود توانست بر سرزمین‌های وسیعی حکمرانی کند. از این رو با رواج این سیاست، بسیاری از حکمرانان کشورهای تحت سلطه نیز بتدریج از این سیاست استفاده کردند. چنانچه پادشاهان قاجاری برای حذف رقبای خود در عرصه‌های مختلف سیاسی، بارها به این سیاست متوسل شدند. یکی از عرصه‌هایی که در دوره قاجار مشمول این سیاست شد، بخش مربوط به کوچ‌نشینان بود. در زمان قاجار نیز بیشتر ترکمن‌های ایران برای اینکه از فشار و زورگویی حکام قاجار در امان باشند به زندگی کوچ‌نشینی می‌پرداختند. جابجایی اجباری و همگانی قبایل که بازدارنده روندهای وحدت سیاسی و قومی گروه‌های به هم پیوسته بود، جایگاه مهمی در سیاست سلاطین داشت. از این رو کوچ دادن قبایل بخش جدایی‌ناپذیر سیاست مرکزمداری شاهان بود که بر پایه اصل تفرقه بینداز و حکومت کن قرار داشت و سیاستی بود برای دامن زدن بر تفاوت‌های قبیله‌ای برای واکنش در برابر وحدت گروه‌های قبیله‌ای^۱

در دوره رضا شاه نیز این سیاست تداوم یافت و با سرکوب وحشیانه همراه شد. البته سیاست رضاشاه در قبال ایلات و عشایر بخصوص ایلات قشقایی ابتدا مسامحه‌طلبانه بود چون با گذشت زمان با این سیاست به نتایج دلخواه خود که همانا پیدا کردن سیطره کامل بر این ایل بود دست نیافت، شروع به اقداماتی از قبیل ایجاد تفرقه و تنازع میان طوایف مختلف قشقایی، ایجاد قانون

سربازگیری و مالیات‌گیری از قبایل و سرانجام برخورد مسلحانه نمود.^۲

به طور کلی سیاست تفرقه‌اندازانه رضا شاه در مورد ایلات لرستان بسیار بیشتر از سایر عشایر بود، زیرا روند کنترل و سرکوب ایلات بختیاری بسیار زمان‌بر بود. ایلات لرستان جمعیت قابل توجهی داشتند و در مبارزه بسیار سلحشور و دلیر بودند. در همین رابطه ناگفته پیداست که تعداد نیروهای ارتش هم جهت مقابله با ایلات و عشایر نافرمان کافی نبود زیرا طایفه بیرانوند - که بیش از یک دهه حکومت رضاشاه را به چالش کشید - خود به تنهایی دوازده هزار خانوار بود که اگر جمعیت طوایف بالاگروه، حسوندها و طوایف کوچک را به آنها بیفزاییم. بی‌شک مردان جنگی آنها چندین برابر نیروهای ارتش بودند. از اینرو استراتژی ارتش جهت تسلط بر لرستان افزون بر ایجاد تفرقه بین ایلات و عشایر، احداث برج‌های نظامی در مناطق مختلف سکونت عشایر نافرمان بود تا از این طریق کمبود نیروی ارتش جبران شود؛ بنابراین، از همان آغاز، ساخت برج و مراقبت از آنها مورد توجه سران عملیات قرار گرفت.^۳

نکته قابل تأمل آن است که بریتانیا هم در تحقق این سیاست نقش پررنگی داشت. انگلیس که از عوامل تعیین کننده در به قدرت رسیدن رضا شاه بود، در سرکوب مخالفان او نیز نقش اساسی ایفا کرد. چنانچه این کشور تا پیش از به قدرت رسیدن رضا شاه، همواره از شیخ خزعل حمایت می‌کرد؛ اما بعد از روی کار آمدن رضا شاه با سیاست تفرقه‌اندازانه باعث تضعیف قدرت او شد. کسانی چون لرزد کرزن از سیاستمداران معروف انگلیس که در آن دوران در ایران حضور داشت از اجرا کنندگان این سیاست بود. البته خزعل نیز خود به دلیل نزدیکی به انگلیس توانسته بود از طریق این سیاست بهره زیادی ببرد.

والاس موری کاردار آمریکا در ایران در آن دوره در این رابطه می‌نویسد:

به نظر من، سرپرسی کاکس دولت خود را از شرایطی بسیار دشوار در ایران رهایی بخشید و به همین دلیل مستحق هرگونه قدردانی است. با مرگ او یکی از شاخص‌ترین چهره‌های [تأثیرگذار در] تاریخ امروز ایران، از میان رفت. پس از تسلط بریتانیا بر خلیج فارس و جنوب ایران خزعل با بهره‌برداری از فرصت، قدرت و ثروت انبوهی به چنگ آورد و به جایگاه استواری دست یافت و تا زمانی که دولت مرکزی ضعیف و ناکارآمد بود، خللی بر این جایگاه وارد نشد... وی نماد بارز سیاست «تفرقه بینداز، حکومت کن» بود، سیاستی که به وسیله خالق خزعل، لرد کرزن، در ایران دنبال می‌شد.^۴

جالب آنکه انگلیسی‌ها پیش از این و در دوره قاجار که عقد برخی از قراردادهای لزوم تضعیف ایران را ایجاد می‌کرد هم از این سیاست استفاده کرده بودند. در یکی از گزارش‌های بانک جهانی در این رابطه آمده است: «به منظور جلب حمایت رؤسای ایل، شرکت با اتخاذ سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن مشغول اجرای برنامه سازمان یافته‌ای برای ترغیب آنها به نافرمانی و حمایت از آنها در مقابل دولت مرکزی است.» شرکت نفت انگلیس و ایران حتی دست به تأسیس یک شرکت تابعه به نام شرکت نفت بختیاری زده است «تا بتواند برای رؤسای ایل بختیاری سهام رایگان منتشر کند.»^۵ در واقع حمایت از شیخ خزعل در دوره قاجار هم در قالب همین سیاست قابل تبیین است.

سخن نهایی

رضا شاه برای سرکوب مخالفان خود از هر روشی بهره برد. او از ارتش و نیروی نظامی مدرن هم برخوردار بود؛ اما مقابله با برخی از

گروه‌های اجتماعی مانند ایلات و عشایر لرستان تنها با سلاح امکان‌پذیر نبود. چرا که نبرد سلحشورانه و دفاع دلیرانه از فرهنگ و نیز ایستادگی در برابر زور، بخشی از فرهنگ حماسی عشایر را شکل می‌داد. از این رو رضا شاه برای سرکوب کامل عشایر ناچار بود در کنار استفاده مستقیم از سلاح به سیاست‌های تفرقه‌اندازانه نیز متوسل شود.

فهرست منابع

۱. سلمان انصاری‌زاده، برزین ضرغامی، طهمورت حیدری موسلو، ارتباط نومیادیسیم و تکوین مرزهای سیاسی در ایران (مطالعه موردی: ایلات و عشایر ترکمن)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۴، شماره ۱۷، (تابستان ۱۳۸۹)، ص ۹۴.
- حسین احمدی، همایش بین‌المللی کالبدشکافی سیاست انگلیسی‌ها در ایران (۲۰۱۲-۱۸۰۰م)، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۲، از مقاله حبیب‌اله سعیدی‌نیا، فتانه نوروزی، "ایل قشقایی و سیاست رضاشاه" ص ۲۱۱.
- محسن رحمتی، محمد دالوند، "برجسازی و کارکردهای آن در لرستان دوره رضاشاه (۱۳۰۰-۱۳۱۲ ش.)" فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی، سال چهارم، شماره چهاردهم، (پاییز ۱۳۹۶)، ص ۱۰.
- محمدقلی مجد، از قاجار به پهلوی ۱۲۹۸-۱۳۰۹ بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مترجمین سیدرضا مرزانی، مصطفی امیری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۴.
- محمدقلی مجد، رضاشاه و بریتانیا بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، مترجم مصطفی امیری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۶.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48605/انگلیسی-ها-سیاست-ها-تفرقه-اندازی>